اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت یکصد و چهل و سوم)

درمان بیماری (بخش چهاردهم)

گرمی و سردی (۲)

در قسمت قبل گفته شد که کلمه فتنه در قرآن همان گرمی های افراطی است که در زندگی برای انسانها پیش میاید. حالا این گرمی ها ممکن است فرد به دلخواه خود دنبالش رفته باشد و یا ممکن است سر راه او قرار گرفته باشند و یا اینکه به زور او را به آن سمت کشانده باشند. پیامبر ابراهیم توسط قومش ، به آتش و گرمی انداخته شد. اما از آنجا که پیامبر ابراهیم خالص و پاک بود؛ توسط خدای رب العالمین از آتش نجات یافت و به امر خدا، آتش و گرمی به سردی و سلامت تبدیل شد.

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ ﴿۶۹﴾
گفتیم ای آتش برای ابراهیم سرد و بی‌آسیب باش (۶۹)

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ﴿۷۰﴾
و خواستند به او نیرنگی بزنند و[لی] آنان را زیانکارترین [مردم] قرار دادیم (۷۰)

قوم پیامبر ابراهیم همه ساله در یک جشن سراسری شرکت می‌کردند. در آن روز، همه از شهر خارج می‌شدند و آن روز را در بیرون شهر سپری می‌کردند (شاید برای مراسمی مثل سیزده بدر بیرون می رفته اند). در حالی که مردم برای این مراسم و یا جشن از شهر خارج می‌شدند، از او خواستند که با آنها بیاید، اما او گفت که کسالت دارد و قبول نکرد. آنها به بیرون شهر رفتند ولی ابراهیم نرفت و بتها را شکست بجز بزرگترین آنها. وقتی برگشتند گفتند چه کسی این کار وحشتناک را با بتهای ما کرده است؟ ابراهیم را فراخوانی کردند و از او پرسیدند که آیا تو با بتهای ما این کار را کرده اید؟ پیامبر ابراهیم میخواست گفتگوی منطقیی را با آنها شروع کند. او از ادامه این گفتگو نترسید و پیش خود گفت که هر چه خدا بخواهد. او در جواب سوالشان گفت: بزرگترین بت این کار را کرده است؛ اگر باور ندارید ازش بپرسید! این سوال فقط یک سوال نبود؛ بلکه زیر سوال بردن یک منطق غلط بود. آنها در جواب گفتند ای ابراهیم تو میدانی که اینها حرف نمی زنند؛ پس چرا از ما چنین سوالی می پرسید؟ پیامبر ابراهیم گفت که پس به گفته خودتان، اگر حرف نمی زنند و نمی شنوند، پس نه سودی به شما میرسانند و نه ضرری. پس چرا آنها را عبادت میکنید؟ آنها در مقابل این منطق، حرفی برای گفتن نداشتند و یک تصمیم احساسی غلط گرفتند؛ آنها دستور

به سوزاندن پیامبر ابراهیم دادند ولی آسیبی به او نرسید. بعد از نجات از این حادثه، پیامبر ابراهیم به سرزمین قدس مهاجرت نمود.

در تورات، داستان بین ابراهیم و پدرش اصلا ذکر نشده است. در تورات چیزی درباره مبارزه سرسختانه او با بت پرستی و بت پرستان به چشم نمی خورد این نکته ثابت میکند که پیامبر ابراهیم اصالتا عبرانی و یا عرب نبوده است و بلکه ریشه ایرانی دارد. آنچه در تورات ذکر شده است، مربوط به زمان بعد از هجرت او از بابل به بیت المقدس است. در تورات هیچ ذکری از بنای کعبه توسط پیامبر ابراهیم ذکر نشده است، زیرا این حوادث در قدس اتفاق نیفتاده است. قرآن برخلاف تورات، به زندگی وی پیش از مهاجرت بسیار پرداخته است. تورات فقط قسمتهایی از زندگی پیامبر ابراهیم را ذکر میکند که مربوط به سرزمین قدس است و لاغیر. تورات از سرگذشت پیامبر ابراهیم در سرزمین ایران قدیم، هیچ چیزی نمی گوید. دلایل این امر هنوز مشخص نیست ولی شاید تعصب نویسندگان بعدی تورات نسبت به زبان عبری باعث این کتمان شده است.

نتایج زیر از داستان پیامبر ابراهیم در قرآن اخذ میشود:

- **قوم پیامبر ابراهیم ایرانی بودند و به یک جشن بزرگ سالانه که همگی به بیرون از شهر می رفتند، اهمیت میدادند. این جشن به احتمال زیاد همان مراسم سیزده بدر و یا چیزی شبیه به آن بوده است. البته اینجا مراسم سیزده بدر زیر سوال برده نمیشود. اگر چه پیامبر ابراهیم هم مخالفتی با خود جشن نداشت و بلکه گفت که بیمار است و نمی تواند بیرون آید. مراسم سیزده بدر اگر مفهوم ذکر**

خدا و شکرگزاری از نعمات خدا در آن مطرح شود و به طبیعت ضرر رسانده نشود، مشکلی ندارد.

- **پیامبر ابراهیم برای جشن بیرون نرفت، زیرا خانه از پای بست ویران بود. وقتی خانه از بیخ و بن ویران باشد، دیگر شرکت در جشن ها و مراسمات و سایر شعارها بی اهمیت است.**
- **آزر پدر ابراهیم بود و نه عموی او. این مطلب در قرآن نه یکبار دوبار، بلکه ده ها بار ، آزر به عنوان پدر ابراهیم ذکر شده است. آزر یک نام ایرانی بوده است. خدای حکیم با ذکر نام پدر ابراهیم به عنوان آزر، قصد دارد که مطلب مهمی را در تورات تصحیح کند و آن قادر متعال میخواهد مطلب مهمی را به ما برساند. در قرآن، آیات دیگری از زبان پیامبر ابراهیم ذکر شده است که سبک و سیاق آن به زبانی غیر عبری نزدیکتر است.**

تبدیل آتش و گرمی به سردی و سلامت، معناهای متفاوتی در مورد پیامبر ابراهیم میتواند داشته باشد. پیامبر ابراهیم خودش این گرمی را نمی خواست. اما جبهه شر میخواستند به زور یک گرمی و آتش روی پیامبر ابراهیم اجرا کنند. اما گرمی و آتش اجباری روی مخلصینی مثل ابراهیم به امر و اذن خدا کارساز نخواهد بود. اما متاسفانه بیشتر مردم بصورت اختیاری، گرمی ها را در این دنیا انتخاب میکنند. وقتی اختیار به میان آید، دیگر خدای مهربان، در اختیار آدمیان دخالت نمی کند. بعضی مواقع، بعضی گرمی ها و فتنه ها را جامعه بطور سیستماتیک روی افراد اجبار میکند. اگر افراد

مخلص باشند و اخلاص خود را بروز داده باشند، این گرمی ها به امر و اذن خدا به خیر ختم خواهد شد.

خوردن ربا یک نوع گرمی است. همچنین خوردن مال یتیم، خوردن گرمی و نار است.

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ﴿١٠﴾

در حقیقت کسانی که اموال یتیمان را به ستم می خورند جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می برند و به زودی در سعیر درآیند (۱۰)

همچنین کسانی که مطالب کتاب نازل شده توسط خدا را کتمان و پنهان میکنند، گرمی و آتش برای خود ذخیره میکنند. کسانی که از این نوع گرمی ها بهره برند و یا بخورند، روز قیامت، خدای مهربان با ایشان سخن نخواهد گفت و پاکشان نمی کند (وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ).

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٤﴾

کسانی که آنچه را خداوند از کتاب نازل کرده پنهان می دارند و بدان بهای ناچیزی به دست می آورند آنان جز آتش در شکمهای خویش فرو نبرند و خدا روز قیامت با ایشان سخن نخواهد گفت و پاکشان نخواهد کرد و عذابی دردناك خواهند داشت (۱۷۴)

کسانی که تلاش میکنند که با القاب حاجی، سید ، ارباب و ... صدا زده شوند، برای خود نوعی گرمی بوجود آورده اند. اینها به ضررشان است و سیستم روانشان را ضعیف میکند. مسخره کردن زنان توسط زنان دیگر، برای آنان یک گرمی و سرگرمی بحساب میاید. خود مقدس پنداری، خود حق پنداری، و سایر تکبرها، همه اینها نوعی گرمی هستند که روان و جسم آدمی را ضعیف می کنند. شیطان گفت من از آدم بهترم و هنوز هم بر این عقیده است. شیطان این تکبر و تفکر را به عنوان یک گرمی برای خود پذیرفته است.

خدای مهربان جنگ در ماههای حرام را منع فرموده است، اما کسانی که به خدا ایمان ندارند، جنگ در این ماهها را ترجیح میدهند. جنگ در ماههای حرام برای غیرمومنان یک گرمی بحساب میاید.

بنا به عقیده کسانی که به خدا ایمان ندارند، عمل گناه از عمل حلال شیرین تر است. زیرا در عمل گناه، گرمی و آتش شیطان دخیل است. شیرینی گناه، بخاطر خاصیت بهترش نیست و بلکه شیرینی ظاهری بیشتر گناه بخاطر گرمی و نار اضافی آن است که یک سم است. گرمی های اضافی گناه از جنس گرمی شیطان است و در این گناهها، نفرات دیگری از جنس شیاطین شریکند.

زنان گرمی های زیادی از شوهران خویش می خواهند که شوهران خویش را به زحمت و خطر می اندازند و البته این قضیه به ضرر خودشان است و آنان با این نوع زیاده خواهی، آتش در زندگی خویش می اندازند.

حمیم در قرآن به معنای گرمی و دلخوش کنی است. به فرموده قرآن، جهنمیان در جحیم، از شجره زقوم میخورند و شکمهای خود را از آن پر میکنند. اما نکته جالب آن است که برای هضم آن، مجبورند که حمیم روی آن بریزند. مترجمین قرآن، حمیم را به آب جوش ترجمه کرده اند. اما حمیم در حالت کلی به معنای هر نوع گرمیی است.

فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿۶۶﴾

پس [دوزخیان] حتما از آن می خورند و شکمها را از آن پر می کنند (۶۶)

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ ﴿۶۷﴾

سپس ایشان را بر سر آن آمیغی از آب جوشان است (۶۷)

آنان بدنشان وابسته به گرمی هاست و بدون حمیم نمی توانند غذا را هضم کنند. جهنمیان در جحیم، پرخوری میکنند و بعدش برای هضم آن مجبورند، از گرمی ها استفاده کنند. بدنشان توانایی هضم غذا را ندارد. سیستم ایمنی و هاضمه کالبد آنان، آنقدر ضعیف است که همیشه بیمارند و مجبورند برای تقویت آن، از حمیم استفاده کنند. جهنمیان هر بار که غذا میخورند، مجبورند که از حمیم استفاده کنند. مثل این است که روی زمین، کسی غذا میخورد، برای هضمش هر بار باید یک آمپول دردناک بزنند.

توجه کنید که تصورات ما از جهنم و بهشت اشتباه است. مردم در جهنم مثل زمین زندگی میکنند، مثل گناه کاران در روی زمین. البته زندگی در جهنم، زندگی نیست. اما به هر حال، در آنجا مثل زمین زمان طی میشود. فرق جهنم با زمین این است که در جهنم سردی وجود ندارد و همه چیز گرمی است.

راز سلامتی جسم و روان انسان، در بکارگیری سردی هاست. گرمی ها روان و کالبد انسان را وابسته و معتاد و ضعیف میکند. نماز یک نوع سردی است. زمانی که آدمی مشغولیتهای ذهنی و فکری و یا احساسی پیدا میکند، با انجام نماز وقفه ای در این امور صورت می گیرد و مثل این است که آب روی آتش ریخته باشید. به همین خاطر نماز یک سردی مهم بحساب میاید. روزه هم پرخوریهای سالانه را قطع میکند و مثل یک سردی عمل میکند. زکات دادن، دل خوش کنیها و گرمیهای درآمد ها را از بین می برد. گرمیهایی که در زندگی روزمره پیش می آید، باید سردی رویش بریزید تا که اذیت نکند. در روز حساب و کتاب، هیچ نوع گرمیی دردی از کسی دوا نمی کند.

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ﴿١٨﴾

و آنها را از آن روز قریب[الوقوع] بترسان آنگاه که جانها به گلوگاه می رسد در حالی که اندوه خود را فرو می خورند برای ستمگران نه یاری است و نه شفاعتگری که مورد اطاعت باشد (١٨)

خدای مهربان، یک سری گرمی های معتدل در این جهان قرار داده است که همینها جوابگوی زندگی ماست و نیازی به استفاده از گرمی های کاذب و اضافی نیست. گرمی های غیر رحمانی، افراط و تفریط دارند و معتدل نیستند.

در این جهان افراط و تفریط در استفاده از گرمی ها، انسانها را بیمار میکند. اما در لایه ناری (جایی که شیاطین بسر می برند)، یک گرمی دیگری از جنس شیطان وجود دارد که خیلی از مردم از آن بهره می برند و خود را به آن معتاد و وابسته میکنند. عشق، یوگا، مدیتیشن، وحدت وجود و خیلی از موارد دیگر وابسته به گرمی شیطانی هستند و بر آن استوارند. اگر یک فرد، گرمی های افراطی و اضافی را وارد زندگیش کند و جلو آن را نگیرد، سطح آن به سطح گرمی شیطان می رسد و با گرمی شیطان قاطی میشود و در نتیجه یهویی از کنترل خارج میشود و دردسرهای بزرگی ایجاد میشود و به بیماریهای روانی خودخواسته تبدیل میشوند. باید سردی روی گرمی های افراطی بریزید و آن را خاموش کنید تا که شعله های آن در کنترل و سطح شیطان قرار نگیرد. کینه، حسادت، غیبت، عداوت یک نوع گرمی شیطانی است که باعث رسیدن سطح گرمی شما به سطح گرمی شیاطین میشود و در نتیجه با شیطان مسّ پیدا میکنید. گرمی های افراطی، نه تنها به سود ما نیست و بلکه به ضررمان است.

اگر صبح دیر از خواب پا شوید، کسل ترید. بنابراین پی می بریم که نماز چقدر مهم است. ذکر خدا در زندگی، مثل سردی عمل میکند و آتشها و گرمی های افراطی و شیطانی را خاموش میکند. در این دنیای فانی، ذکر و یاد خدا بسیار مهم است. اگر ذکر و یاد خدا را وارد زندگی خویش کنیم، متوجه نقطه ضعف خود میشویم و در

نتیجه به خود مغرور نمی شویم. انسانها در حالتی که گرمی بر آنها احاطه دارد، گرمند و متوجه وضعیت خویش نیستند. اما در سردی ها به دنیای واقعی بر می گردند. ذکر و یاد غیر خدا مثل یک گرمی است و لذت کاذب به آدمیان میدهد و به همین خاطر بعضی ها ذکر خدا آنان را خوشحال نمی کند و اما ذکر غیر خدا آنان را خوشحال میکند. این نوع خوشحالی، خوشحالی واقعی نیست و بلکه فقط یک گرمی است.

وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿۴۵﴾

و چون خدا به تنهایی یاد شود دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارند منزجر می گردد و چون کسانی غیر از او یاد شوند بناگاه آنان شادمانی می کنند (۴۵)

خدا انسانها را به روشهای مختلف آزمایش میکند. هر آنچه غیر خداست میتواند به عنوان گرمی خطرناک عمل کند. گرمی های زیادی در این دنیا وجود دارد و خدای حکیم در مورد جذب شدن به آنان، هشدارهای لازم را هم داده است.

اگر بتوانیم، در میان گرمی های دنیا، خود را محافظت کنیم و افراط و تفریط نکنیم و بتوانیم شاکله وجودی خویش را بسازیم، فبها؛ و گرنه به جهنم خواهیم رفت. افراط در استفاده از گرمی ها، شعله آتش شیطان را روشن نگه میدارد و به این طریق شیاطین از گرمی های اضافی زندگی انسانها تغذیه میکنند. به همین خاطر خدای حکیم می فرماید که اسرافکاران برادران شیطان هستند. هر چیزی که خیلی از آن

استفاده کنید، از چشم آدمی می افتد و زیر دل آدمی میزند. زیرا گرمی های اضافی مورد تغذیه شیاطین قرار می گیرند.

ما انسانها از خاک آفریده شده ایم، بنابراین غذای ما انسانها از جنس خاک است. اما شیاطین از جنس نار و آتش و گرمی هستند و قاعدتا غذای آنها باید از جنس نار و گرمی باشد. گرمی های اضافی و افراطی که انسانها استفاده میکنند، مورد تغذیه شیاطین قرار می گیرد و شیاطین مثل زالو به انسان می چسبند و از گرمی های اضافی و افراطی انسانها تغذیه میکنند.

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿٢٧﴾

چرا که اسرافکاران برادران شیطانهایند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است (٢٧)

هر نوع گرمی اضافی و افراطی، شیاطین را تغذیه میکند. شیاطین درمقابل این تغذیه، یک لذت کاذب به افراد تغذیه شونده میدهند. اما این لذت کاذب گذراست و نمی ماند. دفعه بعدی شیطان دوز آنرا زیادتر میکند، طوریکه افراد معتاد آن میشوند. هربار دوز آن بیشتر میشود. اما افراد در مقابل این لذت کاذب، مجبورند که هربار گرمی های بیشتری مصرف کنند و به همین خاطر است که گرمی های اضافی و افراطی، زیر دل آدمی میزند.

در عصر جدید، توصیه به حق و توصیه به صبر لازم است. حرف حق تلخ است. تلخی هم نوعی سردی است. اینها همگی سردی است و خیلی در زندگی ها لازمند.

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ سوگند به عصر [دوره زمانی] (١)
إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ كه واقعا انسان دستخوش زيان است (٢)
إِلَّا الَّذِين آمَنوا وَعَمِلُوا ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾ مگر كسانى كه ايمان آورده و كارهاى نيک كرده و همديگر را به حق سفارش و به شكيبايى توصيه كرده اند (٣)

در واقع اگر آدميان، به حق توصيه نكنند و به صبر همديگر را سفارش نكنند، جامعه دچار گرمی هایی میشود که عواقب آن دامنگیر خودشان هم خواهد شد.

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٥﴾
و از فتنه ای که تنها به ستمکاران شما نمی رسد بترسید و بدانید که خدا سخت کیفر است (٢٥)

تفكرات انتقادی سرد است و برای سلامت یک جامعه لازمند. سیاستمدارانی که تفكرات انتقادی را سرکوب کرده اند، بمرور به دیکتاتوری تبدیل شده اند. دیکتاتوری یک نوع سیاست گرم است که اگر سردی رویش ریخته نشود، روز بروز گرمتر میشود و در نهایت همه را می سوزاند.

قمار یک نوع گرمی است. زیرا قمار خوش بینی کاذب نسبت به شانس و موقعیت خود است که این خودش یک نوع گرمی بحساب میاید. در صورت عادت به یک

گرمی افراطی، دیگر گرمی های ساده به شما لذت نمی دهد. همین عادت و در عین حال خطرناک، میتواند انسان را به جهنم بیندازد.

وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣٤﴾ و به مزه های ساده و مسکینانه تمایل ندارد (۳۴)

گرمی های افراطی و من در آوردی، استرس می آفریند و اما گرمی های ساده رحمانی، آرامش می آورد.

وقتی دعاهای پیامبران و صالحین را در قرآن مطالعه کنیم؛ متوجه خواهیم شد که در همگی خضوع و خشوع موج میزند. خضوع و خشوع یک نوع سردی برای فرد است که تکبر و خودبزرگ بینی و خود مقدس انگاری و خود قهرمان انگاری را در آدمی می کشد. باید در مقابل خدای رحمان به خاک افتاد و نهایت خضوع و خشوع بکار برد تا که از دست گرمی های شیطانی و افراطی نجات یابید. چند دعای قرآنی را بخوانید تا متوجه شوید که در هیچکدام، مَن مَن کردن و تکبر و خودبزرگ بینی وجود ندارد و بلکه در همگی خضوع و خشوع موج میزند:

رَبُّنا اِنَّنا امَنّا فَاغْفِرْلَنا ذُنُوبَنا وَ قِنا عَذابَ النّارِ.

رَبَنا اتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي‌الاخِرَهِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّار.

رَبَّنا لا تَجْعَلْنا فِتْنَةً لِلَّذينَ كَفَروا وَ اغْفِرْلَنا رَبَّنا اِنَّکَ اَنتَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ.

رَبَّنا ظَلَمْنا اَنْفُسَنا وَ اِنْ لَمْ تَغْفِرْلَنا وَ تَرْحَمْنا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرينَ.

رَبَّنا وَ لا تَحْمِلْ عَلَيْنا اِصْراً كَما حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذينَ مِنْ قَبلِنا.

رَبَّنا لا تَجْعَلْنا فِتْنَةً لِلَّذينَ كَفروا وَ اغْفِرْلَنا.

رَبَّنا لاتُزِغْ قُلُوبَنا بَعد اِذْهَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً.

رَبَّنا لاتُواخِذْنا اِنْ نَسَّينا اَوْ اَخْطَانا.

رَبَّنا اتِنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنا مِنْ اَمْرِنا رَشَدًا.

رَبَّنا لا تَجْعَلْنا فِتْنَةً لِلقَوْمِ الظّالِمينَ.

رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلاً سُبْحانَکَ فَقِنا عَذابِ النّارِ.

رَبَّنا لاتَجْعَلَنا مَعَ الَقَوْمِ الظَّالِمينَ.

رَبَّنا عَلَيْکَ تَوکَّلْنا وَ اِلَيْکَ اَنَبْنا وَ اِلَيْکَ الْمَصيُر.

رَبَّنا فَاغْفِرْلَنا ذُنُوبَنا وَ كَفِّرْ عَنّا سَيّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الأبْرارِ.

رَبنا وَاتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ وَ لاتُخْزِنا يَوْمَ الْقِيامَهِ اِنَّکَ لاتُخْلِفُ الْميعادَ.

رَبَّنا وَسِعْتَ كُلَّ شَیْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْماً فَاغْفِر لِلَّذينَ تابُوا وَاتَّبَعُو سَبيلَکَ و قِهِمْ عَذابَ الْحَجيمِ.

رَبَّنا اصْرِفْ عَنّا عَذابَ جَهَنَّمَ اِنَّ عَذابَها كانَ غَراماً.

رَبَّنا امَنّا فَاغْفِرْلَنا وَ ارْحَمْنا وَ اَنْتَ خَيْرُ الرّاحِمينَ.

رَبَّنا اِنَّنا سمَعْنا مُنادِياً يُنادی لِلأيمانِ اَنْ امِنُوا بِرَبِّكُمْ فَامَنّا.

رَبَّنا اَتْمِمْ لَنا نُورَنا وَ اغْفِرْلَنا اِنَّکَ عَلی كُلَّ شَیْءٍ قَديرُ.

رَبَّنا اغِفرْلی وَلِوالِدَیَّ وَ لِلْمؤمِنينَ يَوْمَ يَقومُ الْحِسابُ.

رَبَّنا اَفْرِغْ عَلَيْنا صَبْراً وَ ثَبِّتْ اَقدامَنا وَ اَنْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرينَ.

رَبَّنا وَلاتَحْمِلْنا ما لاطاقَهَ لَنا بِهِ وَ اعْفُ عَنّا وَاغْفِرلَنا وَ ارْحَمْنا اَنْتَ مَوْلينا فَانْصُرْنا عَلَى الْقَومِ الْكافِرينَ.

رَبّنا اَفْرِغْ عَلَيْنا صَبْراً وَ تَوَفَّنا مُسْلِمينَ.
رَبَّنا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذابَ اِنّا مُومِنُونَ.
رَبَّنا اِنَّکَ رَوُفُ رَحيمَ.
رَبَّنا اِنَّکَ مَنْ تُدْخِلِ النّارَ فَقَدْ اَخْزَيْتَهُ وَ ما لِلظالِمينَ مِنْ اَنْصارٍ.
رَبَّنا اغْفِرلَنا ذُنُوبَنا وَ اِسْرافَنا فِی اَمِرْنا وَثَبَّتْ اَقدامَنا وَ اَنْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرينَ.
رَبَّنا اغْفِرلَنا وَ لِاخواِننَا الَّذينَ سَبَقُونا بِالْايمانِ وَ لا تَجْعَلْ فِی قُلُوبِنا غِلاًّ لِلَّذينَ امَنُوا.

در تمام این دعاها، مَن مَن کردن و تکبر وجود ندارد. این طرز پندار و گفتار و کردار راز سلامت روانی است. شیطان در مقابل خدا ایستاد و گفت من از آدم بهترم. او با این کار در مقابل خدا گرمی بکار برد و خود را دچار مشکلی کرد که او را هلاک کرده است.

زنان و مردان، با عادت دادن خود به گرمی ها، تنبل میشوند و در نتیجه حوصله ندارند که مشکلات و اختلافات فیمابین خود را حل کنند و در نتیجه به دادگاه ها و وکلا مراجعه میکنند و کار خود را مشکلتر و پیچیده تر میکنند. خیلی از علوم اختراعی بشر، همچون وکالت، پزشکی و روانپزشکی و روانشناسی و ... علوم گرمی هستند که اگر زیاد استفاده شود؛ انسانها را وابسته تر می کنند. انسان خودش را به این علوم گرم وابسته کرده است ولی حتی الامکان باید خیلی کم و در حالات ناچاری باید استفاده شوند. رشوه، پارتی، رانت و ربا جزو گرمی های خطرناکی هستند که میتوانند نظم و آرامش روانی یک جامعه را آتش بزنند. آدمیان با بکارگیری این گرمی ها، از واقعیات دور می افتند و فاصله می گیرند.

توکل به خدا، یک نوع سردی است. اما شیطان انسانها را به سمت گرمی ها دعوت میکند تا مردم توکل خود به خدا را دست کم گیرند و آن را از دست دهند. خدای مهربان و حکیم به عنوان ربّ میخواهد که ما را تربیت کند. اما افراد به گرمی های کاذب و افراطی دل خوش میکنند و توکل خود به خدا را از دست میدهند و به این طریق از تربیت خدا فرار میکنند و فکر میکنند خدا میخواهد خوشی های آنان را بگیرد.

شاعر میگوید:

اَلا یا اَیُّهَا السّاقی اَدِرْ کَأسَاً و ناوِلْه

در این شعر، ساقی کسی است که گرمی های کاذب برای افراد بوجود می آورد و آنان را سرمست و سرگرم میسازد. شعر کلا یک نوع گرمی است که به فالوورهایش، گرمی و غرور کاذب میدهد.

خدای مهربان می فرماید که شیطان دشمن شماست و شما هم باید دشمن او باشید.

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿٦﴾

در حقیقت شیطان دشمن شماست شما [نیز] او را دشمن گیرید [او] فقط دار و دسته خود را می خواند تا آنها از یاران آتش باشند (۶)

این آیه از بُعد دیگر به آن معناست که باید با گرمی های شیطانی هم دشمن باشیم. باید با مفاهیم و فلسفه های شیطانی هم دشمن باشیم. اگر دشمنی با شیطان، دوطرفه نباشد، بعد از مدتی بطور نامحسوس دوست شیطان خواهید شد. هندوها ابتدا گفتند که ما دشمن شیطان نیستیم تا از شر او در امان باشیم. ولی در آئین آنها بمرور، شیطان در کنار خدا قرار گرفت و هم اکنون هندوها، شیوا (نام دیگر شیطان) را به عنوان خدای نابودگر پذیرفته اند. ایزدی ها هم اینچنین رویه ای را طی کردند.

تمام مذاهب و آئینهایی که الهه هایی برای خود درست کرده اند، دلیل اصلی این مورد این است که آنها با مفاهیم شیطانی دشمن نبودند و نیستند. مثلا با دروغ دشمن نیستند. دشمنی با شیطان باید در هر سه سطح پندار، کردار، گفتار باشد و گرنه نامحسوس و ناخودآگاه جذب شیطان خواهید شد. هندوها شیوا را دست کم گرفتند و با او دشمنی نکردند، چشم باز کردند دیدند که مفهوم شیوا (شیطان) در رتبه نخست آئینشان جای گرفته است. وقتی مثلا با رشوه، ربا دشمن نباشید، به یک امر معمولی و عامه پسند در جامعه تبدیل میشود. اگر با فلسفه شیطان و گرمی های او مقابله نکنید، روشهای زیادی برای توجیه ربا و رشوه وجود خواهد داشت و گیر خواهید افتاد. زمان قدیم مردم برای توجیه ربا، اسکناس را به هم دیگر میفروختند. مثلا می گفتند این بسته اسکناس که مثلا صد هزارتومان است را به صد و پنجاه هزارتومان به شما می فروشم. به این طریق ربا را به یک نوع خرید و فروش تبدیل میکردند. البته که همه میدانیم این یک نوع کلک شرعی است.

در حالت عادی ربا قابل توجیه نیست؛ اما وقتی گرمی شیطانی و افراطی وسط بیاید، ربا به یک چیز عادی و قابل توجیه تبدیل میشود. گرمی های شیطانی طوری ذهن و احساس آدمیان را می پزند که روشهای ربایی را توجیه پذیر میکنند. چنین گرمی هایی ضد و دشمن خدایند. خدای مهربان ربا را اعلام جنگ نسبت به خدا و رسول خدا میداند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید. (٢٧٨)

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٩﴾

و اگر (چنین) نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته اید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از خودتان است. نه ستم می کنید و نه ستم می بینید. (٢٧٩)

باید با شیطان و روشهایش، با سردی رفتار کنید و سردی روی این نوع گرمی های شیطانی بریزید و گرنه جذب آن خواهید شد. جذب روشهای شیطانی شوی، شیطان شما را مسّ و لمس میکند. زیرا این نوع روشها باعث رسیدن سطح گرمی شما به سطح گرمی شیطان میشود و در نتیجه با شیطان مسّ پیدا میکنید.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۷۵﴾

کسانی که ربا می خورند، (از گور) برنمی خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: (داد و ستد صرفاً مانند رباست.) و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است. پس، هر کس، اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید، و (از رباخواری) باز ایستاد، آنچه گذشته، از آنِ اوست، و کارش به خدا واگذار می شود، و کسانی که (به رباخواری) باز گردند، آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. (۲۷۵)

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿۲۷۶﴾

خدا از (برکت) ربا می کاهد، و بر صدقات می افزاید، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی دارد. (۲۷۶)

گرمی نوعی مُسَکِن و آرام کننده است؛ اما سردی درمان است. دعانویس و فالگیر گرمی های شیطان را به افراد میدهند. البته خود مراجعه کننده هم به دعانویس گرمی میدهد. این نوع تبادل گرمی دوطرفه است. کلا سیستم شیطانی از این نوع گرمی ها تغذیه میکند. استفاده از گرمی ها نباید پیوسته باشد و گرنه معتاد آن میشوی. مثلا وقتی یک روز غذای مفصل میخوری، روز بعدی یک غذای ساده تر بخورید تا گرمی پیوسته نباشد. خریدهای اضافی نوعی گرمی است، ولخرجی و سفرهای افراطی هم نوعی گرمی است. اما قناعت و اعتدال در هر چیزی یک نوعی سردی است.

توهین و دشنام و دشمنی جزو گرمیهای شیطانی است. در جهنم، هیچ سردیی وجود ندارد. به همین خاطر توهین و دشمنی بین جهنمیان تا ابد به صلح نخواهد رسید. در جهنم هر امتی، امت کناری خودش را لعنت می کند و با او دشمنی میکند.

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾

می فرماید در میان امتهایی از جن و انس که پیش از شما بوده اند داخل آتش شوید هر بار که امتی [در آتش] درآید همکیشان خود را لعنت کند تا وقتی که همگی در آن به هم بپیوندند [آنگاه] پیروانشان در باره پیشوایانشان می گویند پروردگارا اینان ما را گمراه کردند پس دو برابر عذاب آتش به آنان بده [خدا] می فرماید برای هر کدام [عذاب] دو چندان است ولی شما نمیدانید (۳۸)

وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٣٩﴾

و پیشوایانشان به پیروانشان می گویند شما را بر ما امتیازی نیست پس به سزای آنچه به دست می آوردید عذاب را بچشید (۳۹)

در روی زمین هم دو ملت که با هم دشمنند؛ اگر هر دو دارای گرمی شیطانی باشند، تا ابد به صلح نخواهند رسید و در نهایت هر دو محکوم به نابودی اند. خشم، عصبانیت هم یک نوع گرمی است. هر کدام از این صفات شیطانی در جهنم که بروز یابند، هیچوقت خاموش نخواهند شد. دلیل آن این است که در جهنم هیچ صفت سردی در افراد وجود ندارد.

سه طلاقه کردن زنان با یک جمله، از نظر قرآن باطل است. زیرا اینها از خشم بر می خیزد و یک نوعی گرمی خطرناک است. عفو و بخشش و کظم غیظ و فروبردن خشم، سردی است. در زندگی جهنمی این نوع صفات سرد وجود ندارد.

استراحت کردن و خواب در موقعیت سردی باید باشد و گرنه خواب واقعی انجام نمی پذیرد . البته منظور دمای محیط نیست. اکنون مردم میایند خانه و موقع خوابشان، تا نصف شب فیلم نگاه میکنند و جالب است که فکر میکنند دارند استراحت میکنند. در حالی که اینها مدیتیشن است و ربطی به استراحت و خواب ندارد. بیشتر ناشکری ها و ناسپاسی ها در لحظه از دست دادن گرمی های افراطی صورت می گیرد.

اگر دو نفر با هم جنگ کنند، اگر یکی از آنها سردی بکار نبرد، هیچوقت بینشان صلح نخواهد شد. باید یکی از آنها کوتاه بیاید و یا ببخشد و گرنه تا ابد دشمنی ادامه خواهد یافت.

گرمی در لایه عقل، به الحاد و سفسطه تبدیل میشود. گرمی در لایه احساس، به عشق و موارد دیگر منتهی میشود. این گرمی ها باید با دستورات سردی که خدا داده است خاموش شوند. نماز، روزه، زکات و سایر دستورات دینی یک نوع سردی هستند که در صورت عدم بکارگیری در زندگی، نجات افراد خیلی سخت خواهد بود. کسی که خودکشی میکند، گرمی بر او غلبه یافته است و او بخاطر عدم اجرای دستورات خدای متعال، قادر به خاموش کردن آن نیست و یا راهکار آن را بلد نیست و در نتیجه میخواهد با مرگ (یک سردی خیلی قوی) آن را خاموش کند.

انسانها باید بعضی مواقع به اصل خویش برگردند و گرمی های اضافی و شیطانی را در زندگی خویش خاموش کنند. در کره زمین، در نظام رحمانی، اصل بر استفاده از سردی است و گرمی را بر حسب نیاز باید استفاده کرد.

ترک هر نوع گرمیی با سختی همراه است ولی بعد از ترک، کار ساده تر و سهل تر میشود(إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا = آری با دشواری آسانی است**).**

گاهی عدم درک موقعیت خود در جامعه، انسانها را وارد گرمی هایی میکند. مثلا ممکن است کسی به شما بگوید، ریشت سفید شده و پیر شده ای. اگر شما ضعف روانی داشته باشید، ممکن است آن را جدی گرفته و بروید دنبال ایجاد گرمی هایی در این زمینه. وکیل، روانشناس و ... بیشتر مواقع گرمی ایجاد میکنند. مدیتیشن گرمی ایجاد میکند. اما معنویت رحمانی، سردی ایجاد میکند.

افرادی که به گرمی های افراطی عادت دارند، در حین بیماری و یا سکرات موت، این گرمی ها را کم کم از دست میدهند، به همین خاطر ممکن است دچار هذیان گوئی شوند.

حلقه های عرفانی گرم است. وقتی افراد وارد حلقه های عرفانی شوند، از گرمی های همدیگر استفاده می برند و در نتیجه گرمی های حلقه ها بیشتر و خطرناکتر است. وحدت وجود گرمی ها را بیشتر میکند.

امر به معروف و نهی از منکر سردی است و برای جامعه گرم لازم است. در خانواده باید افراد به نماز توصیه شوند و این نوع سردی برای خانواده لازم است.

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى ﴿١٣٢﴾

و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش ما از تو جویای روزی نیستیم ما به تو روزی می دهیم و فرجام [نیك] برای پرهیزگاری است (١٣٢)

افراد به گناهان خویش اعتراف نمی کنند و بلکه آنان رو به مظلوم نمایی و توجیه و سفسطه می برند. اینها همه اش گرمی است. اما اعتراف نوعی سردی است. توبه و اعتراف یک نوع سردی است که باید در زندگی بارها پیش آید، تا دچار گرمی شیطان نشوید.

خدای مهربان یکی از روشهای درمان جنگ و جدال بین زن و شوهرها را هجرت و دوری (وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ) امر فرموده است. هجرت و دوری همان سردی روابط است. زن و شوهرهایی که جنگ و جدال بینشان زیاد است، باید هر از چند گاهی مقداری سردی (بدون جنگ و جدال) روی روابط خود بریزند تا که مشکلشان درمان شود. قاعدگی زنان، نوعی سردی است که زنان را از مشکلات بزرگی (مثل عشق و پیوستگی روانی) نجات میدهد و البته این سردی به سود مردان هم هست، زیرا آنان را هم از مشکلات بزرگ دیگر نجات میدهد. زنان و مردان نباید زیاد در نخ هم فرورروند، بلکه باید هر ماه، روابط خود را تعدیل کنند. نزدیکی بیش از حد و در نخ هم فرورفتن زنان و مردان، اصلا به سودشان نیست و بلکه آنان را به جان هم می اندازد.